

خشونت پس از مشروطیت

بخش عمده‌ای از پژوهندگان تاریخ، انقلاب مشروطیت را یک جنبش و انقلاب سیاسی آرام می‌دانند.



بخش عمده‌ای از پژوهندگان تاریخ، انقلاب مشروطیت را یک جنبش و انقلاب سیاسی آرام می‌دانند.

از دیدگاه این گروه از پژوهندگان خشونت در انقلاب مشروطیت، به طور عمده و حداکثر معطوف و محدود به اتفاقاتی مانند اقدام حکومت استبدادی محمدعلی شاه بر ضد انقلابیون مشروطه‌خواه در رویداد به توپ بستن مجلس، دستگیری، شکنجه، اعدام و تبعید عده‌ای از انقلابیون مشروطه‌طلب، انحلال مجلس اول شورای ملی، تعطیلی فعالیت‌های مطبوعاتی و انجمن‌های سیاسی در دوره استبداد صغیر و در نهایت جنگ قوای دولتی بر ضد ملیون در قیام آذربایجان و درگیری‌های محدود قوای دولتی و مشروطه‌طلبان در واقعه فتح تهران است. گرچه جنبه‌هایی از واقعیت در این تحلیل وجود دارد، اما نه تنها در بردارنده همه واقعیت نبوده و از توضیح دقیق و کامل پدیده خشونت در انقلاب و نظام مشروطیت ایران و ریشه‌ها و پیامدهای آن در سیاست و جامعه ایران ناتوان است، بلکه در بردارنده برخی بدفهمی‌های گمراه‌کننده و سیاسی است.

مراجعه به اسناد، مدارک، متون و منابع تاریخی این واقعیت را نشان می‌دهد که ماهیت، شکل و قلمرو خشونت‌طلبی و پیامدهای آن در عصر مشروطیت ایران بسیار عمیق‌تر، گسترده‌تر و پیچیده‌تر از آن است که در نگرش‌های رایج اما توأم با ساده‌اندیشی موجود در این باره تلقی و معرفی شده است. خشونت و خشونت‌طلبی در عصر مشروطیت که ابعاد مختلفی داشت، محدود به جبهه استبدادگران حکومتی و دیگر مخالفان انقلاب و نظام مشروطیت نبود، بلکه بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از گروه‌ها و تشکلهای سیاسی انقلابی مشروطه‌طلب و بخشی از رهبران انقلاب و نظام مشروطیت را نیز در بر گرفته بود. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های پدیده خشونت و خشونت‌طلبی در عصر مشروطیت، خشونت‌های پنهان و ظریف، اما ویرانگری بود که در هر دو حوزه تفکر و عمل و در میان بخش‌هایی از جبهه انقلابیون مشروطه‌خواه و نیز مخالفان انقلاب و نظام مشروطیت وجود داشت.

در حوزه خشونت و افراطی‌گری‌های فکری که عامل مهمی در ایجاد تنگنا برای آزادی اندیشه و آزاداندیشی و حقوق فردی و اجتماعی قانونی مخالفان است، اگر طالبوف روشنفکر و مشروطه‌طلب به سبب انتشار کتاب و آرای متفاوت و مخالف خود با دیدگاه روحانی متشرعی چون شیخ فضل‌الله نوری و هم اندیشان او از سوی آنان تکفیر شرعی شد یا شیخ فضل‌الله با حربه شرعی به تکفیر مشروطه‌طلبان برخاست، از سوی دیگر شیخ فضل‌الله نوری و هم‌اندیشان او نیز با همان حربه شرعی از سوی برخی مراجع دینی مشروطه‌طلب و رهبران انقلاب مشروطه‌خواه، مخالف امام زمان و «محراب» و «مفسد» تلقی و معرفی شدند یا هنگامی که مرتضی قلی‌خان مؤیدالممالک، مدیر روزنامه صبح صادق متن پیشنه‌های شیخ فضل‌الله نوری مبنی بر نظارت عده‌ای از مجتهدان طراز اول دینی بر مصوبات مجلس شورای ملی را در شماره 48 آن روزنامه در تاریخ بیستم ربیع‌الثانی 1325 هـ. ق به چاپ رساند، بنا به گزارش و تعبیر احمد کسروی «مردم [مشروطه‌طلب] از این کار بد او به خشم آمدند و به اداره روزنامه ریخته و آنچه از آن شماره به دست آوردند پاره کردند.»¹ و انقلابیون مشروطه‌طلب و مدافع نظام مشروطیت «مدیر روزنامه را با تهدید و ارباب و با استفاده از ضعف او مجبور به نوشتن یادداشتی تحت عنوان اعتذار و اظهار عدم اطلاع از درج آن اصل در روزنامه و ساقط و باطل ساختن نمره 48 و انتشار مجدد شماره‌ای دیگر تحت عنوان نمره 48 در تاریخ بیست و یکم ربیع‌الثانی 1325 هـ. ق کردند.»² و حتی سیدحسن تقی‌زاده روشنفکر و آزادیخواه و عضو مجلس شورای ملی - عالی‌ترین نهاد قانونی جامعه - و در حالی که تحت اراده و خواست انقلابیون مشروطه‌طلب هیچ‌یک از چاپخانه‌های تهران حاضر به چاپ و انتشار بیانیه‌ها و لوایح شیخ فضل‌الله نوری نبود³ و امکانات و ابزار نشر افکار و دیدگاه‌های شیخ فضل‌الله و هم‌اندیشان او هنگام بست‌نشینی آنان، محدود به یک مطبعه سنگی شده بود، برای جلوگیری از نشر افکار و دیدگاه‌های شیخ فضل‌الله، در یکی از جلسات مجلس شورای ملی درخواست کرد که «آقایان [نمایندگان مجلس] اجازه بدهند که این سنگ [سنگ چاپی که در اختیار شیخ فضل‌الله و همراهان او قرار داشت] را توقیف کنند.»⁴

تردیدی نیست بخشی از خشونت‌طلبی‌های بعضی افراد و گروه‌ها و تشکلهای سیاسی انقلابی مشروطه‌طلب پس از استقرار نظام مشروطیت در ایران و تا حدودی واکنشی در مقابل خشونت‌طلبی‌های خواستاران براندازی نظام مشروطیت بود اما خشونت‌طلبی گروه‌هایی از انقلابیون مشروطه‌طلب و عده‌ای از رهبران نظام مشروطه، محدود به خشونت در برابر مستبدان و نیروها و جریان‌های سیاسی برانداز نظام مشروطه نبود، بلکه این خشونت در قالب اختلافات شدید انقلابیون افراطی با مشروطه‌طلبان معتدل و منتقد و اقدامات سرکوبگرانه علیه آنان به‌کار گرفته می‌شد.

پیامد چنین سیاست و اقداماتی به تزلزل سیاسی و اجتماعی همان انقلاب و نظامی انجامید که انقلابیون افراطی، داعیه حفظ آن را داشتند زیرا اینجا دیگر سخن از ترور و قتل اتابک و ترور و مجروح کردن شیخ فضل‌الله نوری و سپس اعدام او به وسیله مشروطه‌خواهان با توجیه وابستگی آنان به استبداد نبود، بلکه خشونت‌طلبی و افراطی‌گری چهره خود را بر ضد دیگر مشروطه‌طلبان و آن هم با وجود استقرار نظام مشروطیت پارلمانی در کشور نشان می‌داد.

خشونت‌طلبی گروهی از انقلابیون افراطی مشروطه‌طلب بر ضد همکاران مشروطه‌طلب معتدل یا منتقد خود گاه لباس تهدید، گاه لباس تهمت و دروغ‌پراکنی و شایعه‌سازی و گاه لباس تظاهرات و درگیری بر خود می‌پوشید و گاه نیز صدای خشونت‌طلبان از لوله تفنگ نشانه رفته به سوی دیگر مشروطه‌طلبان برای واداشتن آنان به تسلیم و پذیرش افکار و مقاصد سیاسی خود شنیده می‌شد.

بنا به گزارش مخبر همایون⁵ و نیز تأیید آن در گزارش مشابهی از سوی ابوالحسن بزرگ امید⁶ هنگام اختلاف‌نظرهای به وجود آمده درباره اصل هشتم متمم قانون اساسی در مجلس اول شورای ملی، آقا سیدعبدالله بهبهانی مشروطه‌خواه که از مخالفان تصویب آن اصل بود، سرانجام و نه با رغبت و تمایل که در نتیجه فشار و تهدید بعضی از عوامل وابسته به گروه‌های سیاسی مشروطه‌طلب تندرو و از آن جمله سلطان محمود میرزا که بهبهانی را به قتل تهدید کرد، به تصویب آن اصل تن داد یا صنیع‌الدوله که در مقام ریاست مجلس شورای ملی قرار داشت و از مشروطه‌طلبان معتدل دارای پاره‌ای اندیشه‌های منتقدانه به‌شمار می‌رفت، از سوی مشروطه‌طلبان تندرو و خشونت‌طلب و بنام و در لوای انقلاب و حفظ نظام مشروطیت تهدید به قتل شد. چنانکه سرانجام وی طی نطقی و ضمن اعتراض به روند خشونت‌گرایی و افراطی‌گری انقلابیون تندرو از ریاست مجلس استعفا داد.⁷

میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی از روشنفکران برجسته مشروطه‌طلب، اما معتدل در عصر مشروطیت ایران در نامه‌ای به میرزا فضلعلی آقا در تاریخ دوم ربیع الثانی 1325 قمری در انتقاد از افراطی‌گری‌ها و هرج‌ومرج‌طلبی‌های گروهی از انقلابیون مشروطه‌طلب چنین نوشت: «در باب خدمات مجاهدین به سکوت می‌گذرم که موجب دلواپسی حضرت عالی نشوم. از رجاله یا جهله و فعله در هیچ نقطه دنیا اصلاح امور جمهور به عمل نیامده، مگر هرج و مرج. همان است که عرض کردم. از گاو دو شاخه استبداد خلاص می‌شویم، به گاو هزار شاخه مجاهدین با رؤسای حاجی‌الله‌یار یا قاری اوغلی محمدیار ایشان دچار می‌شویم.»⁸ و احتشام‌السلطنه از دیگر مشروطه‌طلبان معتدل و دارای خرد سیاسی که مدتی ریاست مجلس را نیز به عهده داشت، در تشریح تندروری‌ها و خشونت‌طلبی‌هایی که به نام انقلاب و نظام مشروطه در میان گروهی از انقلابیون مشروطه‌طلب وجود داشت، تأکید کرده است: «بدبختانه بعضی از وکلا که در رأسشان تقی‌زاده و حاجی میرزا ابراهیم آذربایجانی قرار گرفته بودند، اصطلاح انقلاب کبیر فرانسه از زبانشان نمی‌افتاد و عاشق گیوتین و دادگاه‌های انقلاب بودند که ظرف یک ساعت، حکم اعدام شاه و درباریان و جمیع وزرا و امرای حال و گذشته را صادر کند.»⁹

تحقیقات و مستندات دکتر فریدون آدمیت به مأخذ مذاکرات مجلس¹⁰ و نیز اسناد و مدارک و دلایل تاریخی فراوان¹¹، به روشنی نشان می‌دهد جبهه انقلابیون مشروطه‌خواه افراطی، پایگاه اجتماعی محکمی نداشته و قدرتش تنها در سرشت خشونت بود. بدون اتکای به ابزار خشونت، از قدرت سیاسی در خور توجهی برخوردار نبودند. در تفکر سیاسی دارای معلومات عمیقی نبودند و در اندیشه رادیکالیسم انقلابی مایه علمی نداشتند. جبهه انقلابیون افراطی روشی را پیش گرفت که هم نفی مطلق الزامات دموکراسی بود و هم خلاف خرد سیاسی. تجربه انقلاب و نظام مشروطیت در ایران از این واقعیت خبر می‌دهد که سهم انقلابیون افراطی به کتاب انقلاب و پیامدهای سیاست و اقدامات خشونت‌طلبانه آنان چیزی نیست جز تزلزل سیاسی و اجتماعی همان انقلاب و نظامی که انقلابیون افراطی، داعیه حفظ آن را دارند.

پانوشته‌ها:

1 - احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر، 370، ص 361* 2 - رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات... و روزنامه شهید فضل‌الله نوری، جلد اول، گردآورنده: محمد ترکمان، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، 1362، ص 14* 3 - احمد کسروی. همان. ص 409* 4 - مذاکرات مجلس، دوره اول تقنینیه، ضمیمه روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، چاپخانه مجلس، (مذاکرات روز یکشنبه هشتم رجب المرجب 1325 قمری دارالشورای ملی.) * 5 - مخبر همایون، مظفرالدین‌شاه و مشروطیت، ارمغان، شماره 32، سال 1342، ص 104.

6 - ابوالحسن بزرگ امید، از ماست که بر ماست، «خاطرات و مشاهدات»، چاپ پیروز، [بی‌تا]، ص 143* 7 - مذاکرات مجلس. همان، مذاکرات روز سوم ربیع‌الثانی 1325* 8 - بحران دموکراسی در مجلس اول، (خاطرات و نامه‌های خصوصی میرزا فضلعلی آقاتبریزی) به کوشش غلامحسین میرزا صالح، تهران: انتشارات طرح نو، 1372، ص 49* 9 - احتشام‌السلطنه، خاطرات احتشام‌السلطنه، به کوشش سیدمحمد مهدی موسوی، چاپ دوم، تهران: انتشارات زوار، 1367، ص 619* 10 - فریدون آدمیت، مجلس اول و بحران آزادی، چاپ اول، تهران: انتشارات روشنگران، [بی‌تا] * 11 - برای آگاهی بیشتر در این باره نگاه شود به: لطف‌الله آجدانی. علما و انقلاب مشروطیت ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات اختران، 1385 و نیز: لطف‌الله آجدانی. روشنفکران ایران در عصر مشروطیت، چاپ دوم، تهران: انتشارات اختران، 1386.

لطف‌الله آجدانی / مدرس دانشگاه و پژوهشگر